

گزارش «وطن امروز» درباره ماهیت تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران

جنگ تبلیغاتی



گروه اقتصادی: اسکات بسنت پشت تریبون وزارت خزانه‌داری آمریکا ایستاد و با لحنی تبلیغاتی، آغاز گسترده‌ترین و بزرگ‌ترین حمله مالی تاریخ را علیه ایران اعلام کرد. بسنت حتی نام «روز دی اقتصادی» را برای آن انتخاب کرد؛ عبارتی که عمداً یادآور ۶ ژوئن ۱۹۴۴ میلادی و پیاده شدن نیروهای متفقین در سواحل نرماندی است، همان لحظه‌ای که در حافظه جمعی غرب مترادف با آغاز یک نبرد سرنوشت‌ساز شده است. وزیر خزانه‌داری آمریکا این بسته را «بزرگ‌ترین تهاجم مالی علیه یک دشمن» خواند و رسانه‌های غربی هم با همین ادبیات پرهیجان به سراغش رفتند. اما وقتی صدای طبل‌ها فروکش کرد و پرده تبلیغاتی کنار رفت، پرسش ساده‌ای پس از نشست خبری اسکات بسنت باقی ماند: در پس این نام بزرگ، چه چیز تازه‌ای نشست و آیا این اقدام واقعاً نشانه قدرت است یا آخرین تیر ترکشی است که کماتش دیگر رمقی برای کشیدن ندارد؟

■ **بسته‌ای کهنه با بیانی نو**

بسنت در توضیح جزئیات این بسته گفت ترامپ شخصا با رهبران جهان تماس می‌گیرد و از آنها می‌خواهد تعامل خود با ایران را متوقف کنند. گفت دسترسی هر کسی که تلاش کند پول ایران را پولشویی کند، به دلار آمریکا بسته خواهد شد. گفت هر نهادهی که این کار را برای ایران تسهیل کند از نظام دلار حذف می‌شود. حتی چین را هم تهدید کرد که وقت آن رسیده رهبران جهان میان آمریکا و ایران یکی را انتخاب کنند. اما اگر کسی این جمله‌ها را با اظهارات سال‌های گذشته وزارت خزانه‌داری آمریکا مرور کند، متوجه می‌شود که هیچ‌کدام تازه نیست. آمریکا از ۱۵ سال پیش، از زمانی که در دوره اوباما تحریم‌های هسته‌ای اوج گرفت، این جمله‌ها را با همین قاطعیت تکرار کرده و همین اقدامات را انجام داده است.

نکته اینجاست که در همین ۱۵ سال، جمهوری اسلامی ایران هم راه‌های جدید را یاد گرفته است؛ شبکه‌ای از شرکت‌های واسط، کشتی‌های بی‌نام و نشان، صرافی‌های خارج از دید نهادهای ناظر و مسیرهای تازه تسویه مالی شکل گرفته که بارها از حصار تحریم به سادگی عبور کرده‌اند. وقتی ابزاری ۱۵ سال در برابر یک حریف مقاوم به کار رفته و آن حریف راه دور زدنش را آموخته، تکرار همان ابزار با اسمی تازه، بیشتر شبیه بازارایی زردآخان‌های است که مهمانش تمام شده تا رونمایی از سلاحی نو.

■ **جهانی که دیگر از آمریکا فرمان نمی‌برد**

نکته دوم و شاید مهم‌تر، تغییر نقشه منطقه‌ای و حتی جهانی پس از جنگ رمضان است. جنگی که آمریکا علیه ایران آغاز کرد، نتیجه‌ای را که انتظارش داشتند به بار نیاورد و در عوض، آرایش امنیتی و تجاری منطقه را به‌کلی تغییر داد. چین که همواره در برابر تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا محتاط سخن می‌گفت، این بار رسماً وارد میدان شد. سخنگوی سفارت چین در واشنگتن، لیو چانگ، اعلام کرد پکن با تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران که افراد و نهادهای چینی را هم هدف می‌گیرد مخالف است و از حقوق و منافع شرکت‌های چینی حمایت خواهد کرد. وی تأکید کرد این تحریم‌ها هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل ندارند و از مجوز شورای امنیت سازمان ملل برخوردار نیستند.

وقتی قدرتی به بزرگی چین علنا از شرکت‌های خود در برابر تحریم آمریکا دفاع می‌کند، معنایش این است که محاسبه ریسک در پکن پس از نمایان شدن نشانه‌های ضعف آمریکا در جنگ اخیر تغییر کرده است. کشورهای منطقه هم دیگر مثل گذشته به چتر امنیتی و اقتصادی آمریکا که در جریان همین جنگ اخیر نتوانست حتی امنیت یک تنگه دریایی را برای متحدان خود تضمین کند، اعتماد نمی‌کنند و پیمان‌ها و ائتلاف‌های جدید بدون آمریکا در حال شکل‌گیری است. وقتی اعتبار یک تهدید زیر سؤال می‌رود، تکرار برطمطراق تر همان تهدید، اعتبار را بازنمی‌گرداند.

■ **از سنگر دفاعی تا میدان تهاجم**

در این میان تغییر استراتژی اقتصادی ایران هم قابل توجه است. سیدعلی مدنی‌زاده، وزیر امور اقتصاد و دارایی اخیراً با صراحتی تازه گفته است دفاع ایران دیگر پدافندی نیست و دشمنان باید منتظر حمله باشند. وی با اشاره به همین بسته تحریمی اخیر آمریکا گفته است: «دفاع ما دیگر پدافندی نیست و دشمنان منتظر حمله باشند. دشمن قصد یک حمله تروریستی اقتصادی دارد اما ایران هم ابزارهای خودش را دارد و بازی را بلد است». به گفته وی، ۲ کشور بزرگ دنیا این حمله اقتصادی را نپذیرفته‌اند و بسیاری دیگر نیز به

صورت رسمی یا غیررسمی از پذیرفتن آن سر باز خواهند زد. این جمله‌ها اگر در سال‌های ابتدایی تحریم بر زبان یک مقام ایرانی جاری می‌شد، شاید فقط شعار قلمداد می‌شد اما امروز، در کنار مواضع چین و واکنش کشورهای منطقه، بیشتر شبیه توصیف واقعیتی است که در حال شکل گرفتن است. ایران دیگر تنها در موضع پاسخگویی به تحریم نیست. ابزارهای تازه‌ای مانند توقیف کشتی‌ها و کنترل عملی بر مسیرهای حیاتی انرژی، به آن امکان می‌دهد در برابر فشار، فشار مقابل هم وارد کند. از همین جهت است که اخیراً ایران ۴۵ نفتکش را در لیست سیاه قرار داده است؛ ابزاری که تا پیش از این در دست نبود.

همچنین الیجا مگنیر، تحلیلگر مطرح بلژیکی در مسائل خاورمیانه، در واکنش به همین بسته تحریمی هشدار داده است تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا غیرقانونی و غیرالزام‌آورند و این به عهده هر کشور است که تصمیم بگیرد آنها را اجرا یا رد کند. وی افزود: کشورهایی که این تحریم‌ها را اجرا کنند باید عبور کشتی‌ها و محموله‌های خود از جمله نفت و گاز، از تنگه هرمز تحت کنترل ایران را فراموش کنند.

■ **آمریکای ضعیف‌تر از همیشه**
نکته سوم و شاید تعیین‌کننده‌ترین نکته، وضعیت

داخلی خود آمریکاست. خبرگزاری رویترز در ستون تحلیلی صبحگاهی خود با تیتیر «درهم‌آمیختن جنگ‌های اقتصادی، جنگ‌های تجاری و جنگ‌های واقعی» نوشت: چرخش واشنگتن به سمت تحریم‌هایی که ماه‌ها یا حتی سال‌ها طول می‌کشد تا اثر کنند، این برداشت را ایجاد کرده که کاخ سفید پذیرفته اقدام نظامی‌اش شکست خورده است. به نوشته رویترز، اگر این تحریم‌ها با اقدامی جدی علیه چین یا حتی هند همراه نباشد، اعتبار چندانی نخواهد داشت و می‌تواند دوباره قیمت نفت را بالا ببرد.

شواهد این ضعف را می‌شود در اعداد و ارقام بازارهای آمریکا هم دید. از آغاز جنگ ایران، بازده اوراق ۱۰ ساله خزانه‌داری آمریکا با جهشی بیش از ۲۰ درصد از ۲.۹۶ به ۴.۷۴ درصد رسیده و بازده اوراق ۳۰ ساله به ۵.۳ درصد، بالاترین رقم ۲ دهه اخیر صعود کرده، آن هم درست در زمانی که بدهی ملی آمریکا برای نخستین بار مرز ۴۰ هزار میلیارد دلار را رد کرده است. همزمان دلار تضعیف شده و طلا نقره، مس، نفت و رمزارزها تقویت شده‌اند؛ ترکیبی که به گفته کارشناسان مالی، نشانه قیمت‌گذاری همزمان ریسک تورم، بدهی دولت و ضعف دلار در ذهن سرمایه‌گذاران است. حتی ژاپن، یکی از بزرگ‌ترین دارندگان اوراق آمریکا، برای

۳ دهه پس از اسلو

۳- **اهداف کلیدی پروژه EI**

الف – قطع پیوستگی شمال و جنوب کرانه باختری: مهم‌ترین پیامد EI، اختلال در محور طبیعی ارتباط میان رام‌الله در شمال و بیت‌لحم و مناطق جنوب کرانه باختری است. ایجاد یک پهنه پیوسته شهرک‌نشین میان قدس و معالیه دومیم می‌تواند مناطق فلسطین را به مجموعه‌ای از جزایر جغرافیایی تبدیل کند که ارتباط آنها از طریق جاده‌ها و گذرگاه‌های تحت کنترل رژیم انجام می‌شود.

ب – جدا کردن قدس شرقی از محیط فلسطینی آن: قدس شرقی برای فلسطینیان نه فقط یک مرکز نمادین، بلکه قلب سیاسی کشور آینده محسوب می‌شود. EI با ایجاد کمربند شهرک‌نشین در شرق شهر، می‌تواند پیوند قدس شرقی با مناطقی چون العیزریه، ابودیس و سایر بخش‌های کرانه باختری را به‌شدت محدود و این شهر را در میان شبکه‌ای از شهرک‌ها و زیرساخت‌های اسرائیلی محصور کند.

ب – جلوگیری عملی از تشکیل کشور مستقل فلسطین: هدف سیاسی این پروژه دیگر پنهان نیست. اسموتریچ و دیگر رهبران راست افراطی آشکارا گفته‌اند EI باید امکان تشکیل کشور فلسطین را از میان ببرد. در این چارچوب، پروژه نه صرفاً یک برنامه عمرانی، بلکه ابزاری برای حذف جغرافیای لازم برای تشکیل دولت مستقل فلسطین است، بدون آنکه لزوماً نیاز به اعلام رسمی الحاق وجود داشته باشد.

ت – تبدیل الحاق رسمی به واقعیت میدانی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست کنونی راست افراطی رژیم صهیونیستی، حرکت از «الحاق اعلامی» به الحاق از طریق ایجاد واقعیت روی زمین است. ابتدا جاده ساخته می‌شود، سپس شهرک گسترش می‌یابد، جمعیت انتقال داده می‌شود و بعد جامعه جهانی در برابر واقعیتی قرار می‌گیرد که عقب‌گرد از آن هزینه سیاسی و اقتصادی سنگینی دارد.

ث – گسترش شهرک‌سازی و یهودی‌سازی قدس: اتصال معالیه دومیم به قدس، مرز عملی شهر را به سمت شرق گسترش می‌دهد و به تقویت طرح موسوم به «قدس بزرگ» کمک می‌کند. در چنین الگویی، قدس شرقی از یک مرکز فلسطینی متصل به کرانه باختری به مجموعه‌ای

از محله‌های محصور در میان شهرک‌ها و محورهای صهیونی تبدیل می‌شود.

ج – کوچ اجباری فلسطینیان و تخلیه تجمعات بدوی: تجمعاتی مانند خان‌الاحمر دقیقاً در مناطقی قرار دارند که برای اجرای EI اهمیت راهبردی دارند. فشار برای تخریب منازل، محدودیت ساخت‌وساز و انتقال این جوامع را نمی‌توان جدا از منطق جغرافیایی پروژه دانست. تخلیه این تجمعات، مسیر گسترش شهرک‌ها و ایجاد پیوستگی اسرائیلی در منطقه را هموارتر و کار را برای پیشبرد پروژه کلان کوچ اجباری آسان خواهد کرد.

چ – حرکت در مسیر پروژه گسترده‌تر الحاق: پروژه EI اگر چه به تنهایی معادل پروژه اسرائیل بزرگ نیست اما با نگاه ایدئولوژیک صهیونیست‌ها کاملاً منطبق است. طرح فوق بر کنترل حداکثری سرزمین و محدود کردن حاکمیت فلسطینی تأکید می‌کند. در این چارچوب، EI یکی از حلقه‌های کلیدی تثبیت کنترل رژیم بر شرق قدس و بخش‌های مرکزی کرانه باختری است.

■ **اعتراض جهانی و محدودیت سیاست محکومیت**
واکنش‌های بین‌المللی به طرح EI بسیار گسترده است. سازمان ملل، اتحادیه اروپایی، کشورهای عرب و شمار زیادی از دولت‌های اروپا بارها هشدار داده‌اند اجرای این پروژه، راهکار تشکیل ۲ کشور را به‌شدت تضعیف می‌کند. انگلیس، فرانسه، آلمان و ایتالیا نیز در مواضع اخیر خود خواستار توقف پروژه شده‌اند و برخی دولت‌ها حتی احضار دیپلمات‌های رژیم یا بررسی اقدامات محدودکننده علیه شهرک‌ها را در دستور کار قرار داده‌اند.

تجربه ۲۳ سال گذشته نشان داده محکومیت دیپلماتیک بدون تحمیل هزینه عملی، قدرت بازدارندگی محدودی دارد. شهرک‌سازی در دوره‌هایی که با شدیدترین انتقادات بین‌المللی همراه بود نیز متوقف نشد و هر مرحله از توسعه شهرک‌ها، واقعیتی جدید را به نقطه آغاز مذاکرات بعد تبدیل کرده است.

این مساله در دوره دونالد ترامپ اهمیت مضاعفی پیدا کرده است. ترامپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود با به